

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

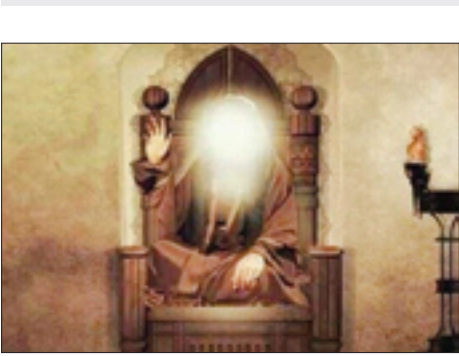


انسان نمی تواند خدا را فریب بدهد

آیت‌الله فاطمی‌نیا(ره):

صاحب‌دلی می‌فرمود: هر چند مردم می‌دانند این جهان موقت است، اما به اندازه یک مکان دائمی و ابدی در جهت آن تلاش می‌کنند و با اینکه می‌دانند جهان آخرت دائمی و ابدی است، ولی به اندازه یک مکان موقت هم برای آن کار و تلاش نمی‌کنند. خیلی‌ها در مقابل چشمان ما در این دنیای فانی و زودگذر آمدند و رفتند و تمام ششدا حقیقتاً دنیا اش دهان سوزی نیست. چه ارزشی دارد برای یک امر موقت و کوتاه، ابدیت را فراموش کنیم؟ برزخ و قیامت را فراموش کنیم؟ عالم آخرت پایان و انتهای ندارد و همه‌اش سر و کارمان با خداست؛ خدا مهربان و از رحم‌الرحمین است، اما این را نباید فراموش کنیم که انسان نمی‌تواند خدا را فریب بدهد نمودبالله! عالم، عالم عالم معنا و حقیقت است.

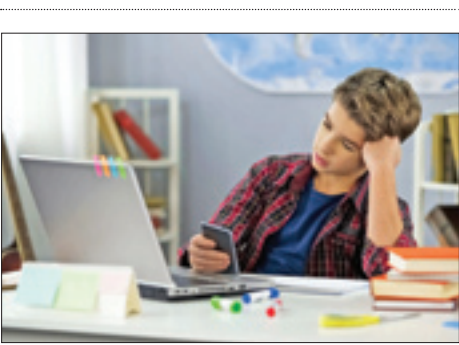
منبع: کانال تلگرامی «در محضر استانا فاطمی‌نیا» برگرفته از جلسه اول سیری در زیارت جامعه کبیره



توصیه‌ای از علی(ع):

در برابر ناسزاگو چه کنیم؟

کانال تلگرامی «امیرالکلام علی علیه السلام» به استناد «آمالی‌المغید/ صفحه ۸۱۱/ حدیث ۲» سخنی از مولا امیرالمؤمنین(ع) را به اشتراک گذاشت. حضرت خطاب به قنبر که می‌خواست به کسی که بدو ناسزا گفته بود، ناسزا گوید، فرمودند: آرام باش قنبر! دشنام‌گوی خود را خوار و سرکسته بگذار تا خدای رحمان را خشنود و شیطان را ناخشنود کرده و دشمنت را کیفر داده باشی. قسم به خدایی که دانه را شکافت و خلاق را بیافرید، مؤمن پروگ‌دار خود را با چیزی همانند دباری و گذشت خشنود نکرد و شیطان را با حربه‌ای چون خاموشی به خشم نیاورد و احقر را چیزی مانند سکوت در مقابل او کیفر نداد.



نشانه‌های حواسِ پرتی

کانال تلگرامی «مهارت‌های زندگی» نوشت: دکتر سوزان دیوید در کتاب «انعطاف‌پذیری هیجانی» می‌نویسد: شما حواس پرت هستید اگر: (۱) درست پس از شنیدن نام کسی آن را فراموش می‌کنید؛ (۲) اعتبار کارتی را داخل سطل اشغال و کاغذ خوراکی را داخل کیفتان می‌اندازید؛ (۳) یادتان نمی‌آید که موقع خروج از خانه در را قفل کرده‌اید یا نه؛ (۴) با انشیا بر خورد می‌کنید چون در مکانی که هستید حضور ندارید؛ (۵) آن‌قدر بر پیشامدهای بعدی تمرکز کرده‌اید که کاری را که باید در حال حاضر انجام دهید فراموش می‌کنید؛ (۶) متوجه نشدید که چند خط بالاتر کارت اعتباری را به اشتباه اعتبار کارتی نوشتم؛ (۷) بدون این که گرسنه یا تشنه باشید چیزی می‌خورید یا می‌نوشید و (۸) هیچانی را که معلوم نیست از کجا آمده احساس می‌کنید. و چاره این مشکل تمرین ذهن آگاهی است.



مثلاًدموکراسی!

عبدالله گنجی در تویییت نوشت: حزب حاکم استرالیا فاطمه پیمان سناتور خود را چون رأی داد که کشور فلسطین به رسمیت شناخته شود، به مدت نامحدود از عضویت تعلیق کرد. در این مستعمره انگلیس مثلاً دموکراسی وجود دارد و نماینده مجلس حق رأی و اظهار نظر دارد. منهای منافع غرب سخن بگو تا عیار دموکراسی روشن شود.

سه‌شنبه ۱۲ تیر۱۴۰۳ | ۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۵ | گایبران | روزنامه جوان | شماره ۷۰۶۵

اعتراض کاربران شبکه‌های اجتماعی به رویکردهای تبلیغاتی در دور دوم انتخابات

تخریب و ارباب‌موجب کاهش مشارکت است

مشارکت و عدم اقبال مردم دستنند. کاربران پیشنهاد دادند کاندیداها همچنان بر نقد بر نامه‌های رقیب و ارائه نظرات خود پبیردازند. آنها همچنین به فعالان رسانه‌های نیز پیشنهاد دادند بر ۶۰ درصد عدم مشارکت تمرکز کنند تا آنها نیز در تصمیم مهم روز جمعه سهیم شوند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.



محمد کرمانی:

در ۱۴۰۰ بوده که این دوره دیره تیب و ادبیات مردمی و نهج‌البلاغه خوانی و تبعیت از رهبری و... او شده‌اند. این دغل دوستان ممکن است کار دستش دهند شبیه اتفاقی که برای لاریجانی افتاد.

علی مردی:

نه آقای پزشکیان ترسناک است و نه آقای جلیلی. هر دو اینها مورد تأیید شورای نگهبان بوده‌اند. اگر انتقادی به برنامه‌هایشان داریم، بگوییم، اما اینکه کمپین پزشکیان بگوید جلیلی، طالبان و سنگ‌انداز است و کمپین جلیلی هم بگوید پزشکیان اسرائیلی و تداوم دولت فلان است، انتهایش جز بدبینی مردم به دو جریان چیست؟

آیا راهی برای مقابله با چرندگویی وجود دارد؟

سازمان‌هایی که کارکنانشان را به اظهارنظر ترغیب می‌کنند، می‌خواهند بیشتر یاد بگیرند و بهتر عمل کنند. اما چگونگی می‌توان چرندنیات‌مافوق‌العاد را به پرسش بکشیم بدون آنکه باعث خشم او شویم؟ پژوهشی در دانشگاه تگزاس می‌گوید احتمالاً بهترین راه «پرسیدن پرسش‌های دلسوزانه» است، نه انتقاد مستقیم. پژوهش ایتن بریس از دانشگاه تگزاس در شهر آستین راه‌حلهایی ارائه می‌دهد، او دریافت که شبویه کارکنان در پرسیدن بسیار مهم است؛ پرسش‌های «چالشی» با تنبیه همراه می‌شدند، اما پرسش‌های دلسوزانه را گوش می‌دادند، بنابراین به جای اینکه به رئیس خود گوی بدیده و بگویید: «منی‌خوام این چرندنیات شما را باور کنم»، بهتر است یادآور شوید: «باید ببینم فراتن چه می‌گویند، بعد کمی تغییرش می‌دهیم تا بهتر شود».

دفعه بعدی که با یک چرندنیات مواجه شدید، وسوسه می‌شوید مؤذبانه آن را نشنیده بگیرید اما همین کار صرفاً به چرندگویان زبردست زمان و مجال می‌دهد. یا وسوسه می‌شوید از ویکنگشتاین پیروی کنید و با آن بیچنگید. بدبختانه، چرندگویان معمولاً بدین طریقی می‌توانند از مدح معایب را برطرف کنید نه با عصبانیت و از بیرون.

تعاملات اجتماعی به‌آرامی بر تعهدمان به راستگویی سایه می‌افکند. شاید به جز سستیزه راه‌های آرام‌تری هم برای مقابله با حرف‌های مفت وجود داشته باشد. مثلاً می‌توانید به آدمی که حرف مفت می‌زند نشان دهید که گفته‌هایش با واقعیت نمی‌خواند یا از او بخواهید منظورش را دقیقاً شرح دهد. اما معضل دیگری هم پیش‌رو داریم: چرندگویان معمولاً به خوبی بازخورد‌های منفی را نادیده می‌گیرند و به کارشان ادامه می‌دهند. رمز پیروزی آنها اعتمادبه‌نفس دهنده‌ناپذیرشان است. چرندنیات احتمالاً ادهی مطمئن برای از دست دادن دوستان و بیزارکردن دیگران است. وقتی چرندی می‌شنویم، معمولاً می‌خواهیم آن را نادیده بگیریم و بدین طریق جلوی مشاجره را بگیریم و جوّ مؤذبانه را حفظ کنیم، اما میلمان به حفظ

گایبران

روزنامه جوان

شماره ۷۰۶۵

جوان

پاسخ‌های انتخاباتی از سوی قرآن کریم

کانال تلگرامی «عصر هوشمندی» به استناد آیات قرآن کریم به برخی از اصلی‌ترین پرسش‌های انتخاباتی پاسخ داد. این پرسش‌ها و پاسخ‌ها در ادامه از نظر می‌گذرد:



سؤال ۱: چرا رأی بدهیم؟

جواب: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم». خدا سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد مگر زمانی که خودشان تصمیم بگیرند که سرنوشتشان را تغییر دهند.

سؤال ۲: من وقتی نمی‌دانم به چه کسی رأی بدهم باید چکار کنم؟

جواب: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون». از اهلش بپرسید.

سؤال ۳: اگر پرسیدم و دیدم هر کسی از پیش خودش اخباری می‌دهد و تحلیلی می‌کند آن وقت چه کنم؟

جواب: «ان جانکم فاسق بنیا فبنینا»: نگاه کن به شخصی که خبر می‌دهد که آیا عادل است یا فاسق؟ قرآن می‌فرماید: «هرگاه فاسقی برای شما خبری آورد در مورد آن تحقیق کنید.»

سؤال ۴: اگر در جامعه موقع تبلیغات موجی ایجاد شد چه کنم؟

جواب: «و لا تتبعان سبیل الذین لا یعلمون». راه کسانی را که علم ندارند پیروی نکن.

سؤال ۵: چگونه افراد را تشخیص دهیم؟

جواب: به دنبال کسانی که از چاپلوسی و تعریف و تمجید لذت می‌برند نرید. قرآن می‌فرماید: «بچون ان یحمدوا بما لم یفعلوا»: دوست دارند به خاطر کارهایی که در حیطه وظایف آنها بوده و انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند.

سؤال ۶: به چه کسی رأی بدهیم؟

جواب: به کسی رأی بدهیم که از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسد. «ولا یخافون لومه لائم».

«خوب بودن» به جای «بهترین بودن»

کانال تلگرامی «تعالی منابع انسانی» بخشی از کتاب «قصه‌های شب برای مدیران، اثر هنری میتیزبرگ» را به اشتراک گذاشت. در این بخش از کتاب می‌خوانیم: در سال ۱۹۹۷، وقتی به فرودگاه مونترال پای گذاشتم، استوارت گرینر را دیدم. او در آن زمان در حال نگارش کتابی با عنوان راهنمای



مدیریت بود. با او گفت‌وگویی کردم. استوارت معتقد بود محتوای راهنما باید بر مبنای مفهوم رقابت در کسب و کار نوشته شود و حتی خود راهنما نیز باید در مقایسه با دیگر راهنماها مزیت رقابتی داشته باشد. اما من پاسخ دادم: به هیچ وجه خود من که هرگز در زندگی‌ام به دنبال رقابت با دیگران نبوده‌ام. من هیچ وقت برای بهترین بودن برنامه‌ریزی نکرده‌ام. این نوع برنامه‌ریزی استانداردِ سطح پایین است. من فقط به دنبال آن بوده‌ام که خوب باشم؛ بهترین کار این است که هر فرد با خودش رقابت کند نه با دیگران و سعی کند بهترین خودش باشد. اصلاً «بهترین بودن» یعنی چه؟ آیا چایکوفسکی از بتهوون بهتر بود؟ او آیدیت بیاف بهترین بازیگر و خواننده بود؟ من که به خود اجازه قضاوت نمی‌دهم، اما حداقل فکر می‌کنم تو هم نباید این است که او همیشه خوب بود و بهترین خودش بود. سیلیو برنیر در بازی‌های المپیک ۱۹۸۴ برنده مدال طلا شیرجه شده بود. یک روز از او پرسیدم: «قطعه اصلی و متمایز کننده ورزشکاری این ماندن تو که به چنین افتخاراتی دست می‌یابند چیست؟» او پاسخ داد: «من در آن سال‌ها بهترین کاری را انجام می‌دادم که از دستم برمی‌آمد و آن رفتار با خودم بود». پس شاید وقت آن رسیده باشد که وسواس‌مان برای «بهترین بودن در مقایسه با دیگران» را رها کنیم؛ در عوض، تمام تلاش‌مان را صرف این کنیم که تا حد ممکن خوب باشیم و برای رسیدن به آن هر کاری از دستمان برمی‌آید انجام دهیم.

مفهوم «رأی خجالتی» در انتخابات

محسن فینی‌زاده در کانال تلگرامی خود نوشت: یکی از موضوعاتی که می‌تواند اثر جدی در نتیجه انتخابات بگذارد، اصطلاحی است که به آن رأی خجالتی یا رأی شرمندگی می‌گویند. به این معنی که فرد رأی‌دهنده در هیچ نظرسنجی یا در فضای عمومی ابراز نمی‌کند اما در صندوق اثر می‌گذارد.

رأی‌دهنده خجالتی در واقع از انتخاب خود شرم‌ده است. این انتخاب می‌تواند یک کاندیدای خاص یا حتی انتخاب برای حاضر شدن پای صندوق رأی باشد. «رأی‌دهنده خجالتی» را به ترجمه بهتر آن یعنی رأی‌دهنده شرمنده، عنوانی است که مراکز نظرسنجی بریتانیایی برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ به یک پدیده روان‌شناختی اطلاق کردند. این پدیده متوجه شدند که رأی‌انتخاباتی به‌تازمه‌تازمه توسط حزب محافظه‌کار بر برتانیا که مردم به آنها توری می‌گفتند، به‌طور قابل توجهی بیش از چیزی است که در نظرسنجی‌ها اعلام می‌شود. توضیحی که درباره این پدیده دادند این بود که رأی‌دهندگان محافظه‌کار، از آیشان خجالت می‌کشند، بنابراین در نظرسنجی‌ها آن را اعلام نمی‌کنند. سال ۲۰۱۶ این اتفاق در امریکا تکرار شد. در هیچ‌وقت رأی خجالتی در انتخابات آمریکا وجود پیدا ن کرده بود. هرچند بعدها بسیاری از رسانه‌ها دلیل خطای نظرسنجی‌ها را نه شرم‌ده بودن رأی‌دهندگان رأی دادن به تراب، بلکه خطای مراکز نظرسنجی در نمونه‌گیری عنوان کردند، اما بسیاری از کارشناسان معتقد بودند دلیل این خطا، عدم اظهار رأی‌دهندگان به نظر مثبت‌شان نسبت به دونالد ترامپ بوده است. بدون شک اگر این رأی خجالتی در انتخابات پیش‌رو جدی شود، باید آن را در سبد پزشکیان دید، به بیان بهتر رأی خجالتی احتمالاً شهرت‌دهایی است که در ظاهر در انتخابات شرکت نمی‌کنند و اگر حضور پیدا کنند رأی آنها در سبد قالیلیاف و جلیلی نخواهد بود و احتمال سبد پزشکیان بیشتر است. این افراد در رویدادها و رخبادهایی مانند ۹۶ تا ۹۸ و ۱۴۰۰ در موضع ناظم بوده‌اند و در حال حاضر با توجه به گندشده ظاهر انتخابات را تحریم می‌کنند اما در حقیقت به دلایل زیادی به‌صورت غیرعلنی در انتخابات شرکت می‌کنند. اگر این افراد بیش از ۰ درصد مشارکت را افزایش دهند ممکن است نتیجه انتخابات به‌شدت شگفت‌انگیز و غیرقابل پیش‌بینی باشد. هر چند نمی‌تواند سهم این آرا را مشخص کرد اما احتمال آن می‌تواند وجود داشته باشد.

یک سؤال بسیار اعصاب‌خردکن

دکترع. درویش، پژوهشگرالهیات کاربردی نوشت: برخی جملات هستند که ساده‌اند، کوتاه‌اند اما ویرانگرند. داشتم وگردگی می‌کردم این جمله پیش رویم سبز شد: «وقت کنید آنچه به خاطرش زندگی می‌کنید.ارزش آن را داشته باشد که به خاطرش بمیرید!» اگر اشتباه‌کنم این جمله متعلق به یک متخصص برجسته و پژوهشگر ادیان شرقی است که به خاطر تسلطش بر زبان‌هایی چون پارسی، یونانی، لاتین، اوستایی و پهلوی در عین حال افسر سازمان‌های اطلاعاتی بریتانیا نیز بود. کاری به گوینده نداریم. محتوا خود به تنهایی سهمگین است. یک سؤال اعصاب‌خردکن! به ذهنم خطور کرد، من و امثال من چه چیزی در زندگی داریم که این ویژگی را داشته باشد؟ چیزی که برای آن داریم زندگی‌مان را می‌گذاریم و ارزش آن را هم داشته باشد که برایش بمیریم؟ به‌خودم و اطرافیانم نگاه می‌کنم. زندگی‌مان را صرف چه چیزهایی می‌کنم و می‌کنیم؟ یکی زندگی‌اش را صرف نوه‌اش می‌کند و همیشه نگران این است که روزی نوه‌اش از او مستقل شود و برود. دیگری بخش مهمی از زندگی‌اش را صرف باغ کوچکش کرده و همیشه نگران تغییرات جوی است. دیگری می‌خواهد روزی مدیر کل شود و همیشه نگران تغییر دولت‌هاست. دیگری می‌خواهد ماشین رویاهایش را بخرد و همیشه نگران افزایش قیمت‌هاست. دیگری انرژی‌اش را بر این متمرکز کرده که استاد دانشگاه شود؛ در ایتالیا و هر جای که با او صحبت می‌کنم دغدغه‌ای ندارد که مقالاتش آیا کسپت شده‌اند (پذیرش گرفته‌اند)؟ دیگری آن ۱۰ سال است که روی توسعه کسب و کارش وقت گذاشته است. چند بار تا مرز ورشکستگی پیش رفته و اکنون تازه بعد از مدت‌ها به نقطه سر به‌سر رسیده و کسب و کارش جان گرفته است. سؤال رهایم نمی‌کند. آیا این چیزهایی که ما آدم‌ها بدان مشغولیم و زندگی‌مان را پای آن گذاشته‌ایم ارزش آن را هم دارد که برایش بمیریم؟ منصفانه اگر بخواهم پاسخ بگویم جوابم برای تمام مثال‌هایی که زد منم خواهد است. نمی‌خواهم آن ساده‌کنم و لیستی از چیزهایی را که بتوان به این سؤال پاسخ داد بیآورم. می‌خواهم بگویم که انگار جواب این سؤال به سادگی روی کاغذ نمی‌آید. هوشنگ اینچاق شاعر معاصری که همین چند وقت پیش آسمانی شد، شعری دارد که همین مسئله را طرح می‌کند، اما جواش را نمی‌دهد، او می‌گوید: «زندگی زیباست، از زیباپسند زنده‌اند بیشان به زیباپسند، بعد در ادامه می‌گوید: «ان قدر زیباست این بی‌پازگشت! اگر برایش می‌توان از جان گذشت.» او نمی‌گوید که درون زندگی چیست که برایش می‌توان از جان گذشت! کسانی که بتوانند به این سؤال پاسخ دهند معنای زندگی خود را یافته‌اند. شما را این سؤال ویرانگر تنها می‌گذام. هر کسی باید جداگانه برای این سؤال جواب پیدا کند.



تیم خود را به مردم معرفی کنید

اکبر نبوی در تویییت نوشت: از آقایان پزشکیان و جلیلی بخواهم معان اول، وزرای خارجه، کشور، اقتصاد، ارشاد، صمت، آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و معاون علمی خود را تا پیش از روز رأی‌گیری معرفی کنند. این معرفی می‌تواند بینش و رویکردهای هر یک از دو نامزد محترم را برای اداره کشور آشکار کند.



وجه شباهت توییتر با دنیای اسکیزوفرنی‌ها

روح‌الله صدیق، روانپزشک در تویییت نوشت: توییتر مثل دنیای اسکیزوفرنیباست، در آن همه چیز واقعی و قطعی به نظر می‌آید ولی وقتی به دنیای واقعی برمی‌گردی، چیزهایی که آنجا دیده‌ای و شنیده‌ای را بقیه نه می‌بینند و نه می‌شنوند و نه براساس آن عمل می‌کنند.